

جایگاه عمل در نجات در دو مذهب پروتستان و شیعه اثنی عشری

محبوبه صفایی صادق*
طاهره حاج ابراهیمی**

چکیده

در دو مذهب تشیع و پروتستان، ایمان مهم‌ترین عامل نجات است، لذا مسئله تحقیق پیش‌رو این است که آیا در این دو مذهب، عمل انسان نیز به اندازه ایمان برای نجات اهمیت داشته و اهمیت عمل در تعیین مراتب و کمال ایمان است یا در رسیدن به نجات؟ در مذهب شیعه، این مسئله، ابتدا در جریان شکل‌گیری فرقه خوارج مطرح گشت. سپس این مسئله در بین مرجئه، معتزله و شیعیان ادامه یافت. این پژوهش با روش تحقیق تطبیقی - مقایسه‌ای به بررسی جایگاه عمل در نجات از دیدگاه دو مذهب شیعه و پروتستان می‌پردازد. دستاورد تحقیق نشان می‌دهد که نجات در مذهب پروتستان در ابتدا و غالباً به معنای رهایی از گناه اولیه و سپس رهایی از خلود در دوزخ است، اما در مذهب شیعه با توجه به آموزه پاکی اولیه، نجات تنها به معنای رهایی از خلود در دوزخ است. اما در هر دو مذهب، عمل از لوازم ایمان و موجب کمال آن بوده، ولی برای رسیدن به نجات، اطمینان بخش نیست و نمی‌توان به آن تکیه کرد.

واژگان کلیدی

ایمان، عمل، نجات، شریعت، شیعه، پروتستان.

* دانشجوی دکتری ادیان و عرفان، دانشکده الهیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران ایران و مدرس معارف اسلامی. mabhube.sadegh70@gmail.com

** دانشیار ادیان و عرفان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. و مدرس معارف اسلامی. (نویسنده مسئول) thajebrahimi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱

۱. طرح مسئله

یکی از مهم‌ترین مباحثی که در طول تاریخ در ادیان مطرح بوده و موجب ایجاد فرقه‌های مختلف در برخی ادیان شده است، مسئله اهمیت عمل انسان و جایگاه آن در نجات است. در مسیحیت، دیدگاه پولس درباره گناه آدم و همه انسان‌ها (رومیان ۵: ۱۲) زمینه‌ساز آموزه آگوستین درباره «گناه اولیه» شد. با توجه به این آموزه، معنای نجات و نقش انسان در آن تغییر کرد و نجات اخروی از عذاب الهی، به نجات دنیوی از گناه اولیه تعمیم یافت؛ (ناس، ۱۳۷۲: ۶۱۸) چون انسان بدون نجات از این گناه موروثی نمی‌تواند برای نجات اخروی خویش، کاری بکند. در مسیحیت، ایمان، عامل اصلی نجات است (مک گراث، ۱۳۸۴: ۸۰) و مهم‌ترین متعلق ایمان، فیض الهی است که در قالب مسیح (پسر خدا) تجسد می‌یابد و با تولد، زندگی، مرگ و رستاخیز خویش، موجب نجات انسان از گناه اولیه (عادل شمردگی) و تمایل او به انجام کارهای نیک (تقدیس) می‌شود (محمدیان و دیگران، ۱۳۸۰: ۴۴۳) و به نجات اخروی می‌انجامد. (همان، ۴۴۱) بنابراین، انسان به‌وسیله ایمان به فیض مسیح و دریافت روح‌القدس نجات یافته و می‌تواند اعمال شریعت را انجام دهد. پس عمل به شریعت، بدون ایمان، نه ممکن و نه نجات‌بخش است. رویکرد پولس به شریعت، زمینه مشاجرات بسیاری را به‌ویژه در مسیحیت غربی فراهم آورد. این مشاجرات زیرعنوان «فیض و طبیعت» در قرن چهارم و پنجم میلادی توسط آگوستین (Augustine) (۳۹۵ - ۴۳۰) و پلاگیوس (Pelagius) (۴۱۸ - ۳۵۰) به طور برجسته‌تری مطرح شد و به ایجاد سه سیستم بزرگ الهیاتی «آگوستینی، پلاگیوسی و نیمه‌پلاگیوسی (Semi - Pelagian)» در مسیحیت غربی انجامید. ولی در جریان جنبش اصلاح دینی، مسئله پاک شدن از گناه و عادل شمردگی تنها از طریق ایمان، اصل اساسی آموزه لوتری درباره نجات گردید و عامل اختلاف بین کلیسای کاتولیک و پروتستان و کلیساهای اصلاحی شد. (Hudge, 1972: 3) لوتر عبارت «نجات از طریق فیض» را به عبارت «عادل شمردگی از طریق ایمان» تغییر داد و درباره رابطه ایمان و عمل و جایگاه آنها در نجات به تفصیل سخن گفت. (مک گراث، ۱۳۸۴: ۶۹۵)

در اسلام منظور از نجات، بیشتر نجات اخروی از خلود در آتش دوزخ است که خلود در بهشت را به‌دنبال دارد. در دهه نخستین اسلام در مکه، ابتدا بحث نجات از طریق ایمان به خدا مطرح بود، ولی پس از هجرت به مدینه و توسعه جامعه اسلامی و نزول آیات احکام، بحث عمل به شریعت نیز در کنار ایمان مطرح شد. در اسلام عامل اصلی نجات، ایمان به خدا و رسول و آنچه از جانب خدا آورده شده، می‌باشد. اما در مورد نقش عمل در نجات با توجه به آیات و روایات، بین متکلمین اسلامی اختلاف نظر وجود دارد. اگرچه همگی معتقدند که نجات بدون ایمان تنها با عمل به شریعت ممکن نیست. بنابراین نقش عمل در نجات باتوجه به رابطه عمل با ایمان مطرح می‌شود.

زمینه این بحث در اسلام، ابتدا توسط فرقه سیاسی خوارج در قرن اول هجری فراهم گشت. خوارج، عمل را داخل در ماهیت ایمان و جزء اصلی آن شمردند و مرتکب کبیره را کافر و مخلف در عذاب دانستند. این بحث سیاسی بعدها به مباحث کلامی تبدیل شد. (نک: ایزوتسو، ۱۳۸۰: ۳۴) و بدین گونه اختلاف بر سر ماهیت ایمان و حکم مرتکب کبیره رخ داد. پس از خوارج و در مقابل آنها، مرجئه به وجود آمدند که عمل را خارج از مفهوم ایمان و بی ارتباط با آن دانستند. عقیده افراطی خوارج و عقیده تفریطی مرجئه، درباره نقش عمل در نجات، زمینه پیدایش مکتب معتزله را فراهم آورد که در این باره، موضعی مانند خوارج داشتند، با این تفاوت که مرتکب کبیره را فاسق دانستند؛ چون به مرحله‌ای میان کفر و ایمان، به نام فسق، قائل بودند. (نک: همان: ۶۳ - ۶۲) گرچه فاسق نیز، در صورت عدم توبه، همچنان مخلف در آتش دوزخ می ماند. در مقابل معتزله، اهل حدیث و اشاعره بودند که عمل را از اجزای ایمان ولی فرع بر ایمان دانستند. آنان مرتکب کبیره را مؤمن فاسق خوانده، و اهل نجات از خلود در دوزخ دانستند. (نک: سبحانی، ۱۳۸۵: ۱۶۶ - ۱۶۰؛ شهرستانی، ۱۹۹۰ م: ۱ / ۱۶۲؛ ایزوتسو، ۱۳۸۰: ۲۰۷) شیعه [حامیان ولایت حضرت علی علیه السلام] که در قرن اول هجری (بنابر قولی) به وجود آمدند،^۱ سه فرقه بودند (غالبه، زیدیه، امامیه) که مهم ترین آنها امامیه هستند که در عقل گرایی حد واسط معتزله و اشاعره قرار دارند. (نک: اشعری، بی تا: ۶ - ۳) امامیه غالباً ایمان را تصدیق قلبی و اقرار زبانی دانسته اند و عمل را از لوازم و نتایج ایمان معرفی می کنند، نه از اجزای آن. (نک: شهرستانی، ۱۹۹۰: ۱۶۲؛ ایزوتسو، ۱۳۸۰: ۲۰۷) در این مقاله به بررسی نقش عمل در نجات، از دیدگاه شیعه (امامیه) و پروتستان پرداخته می شود.

۲. پیشینه تحقیق

درباره جایگاه عمل در نجات در این دو مذهب، کتاب مستقلی نگاشته نشده است. اما کتابها و مقالاتی مرتبط با این موضوع وجود دارد، از جمله: کتاب *نجات شناسی از دیدگاه مسیحیت و اسلام* از دکتر حسن طالبی و مقاله *ایمان و جایگاه عمل از دیدگاه مرجئه و متفکران اولیه پروتستان* از شهاب الدین وحیدی مهرجردی. مقاله *ارزشمندی عمل در ترازوی ایمان از منظر اسلام و مسیحیت با تأکید بر علامه طباطبایی و جان هیک و آکوئیناس* از جواد اکبری مطلق و محمدعلی شمالی.

۳. معنای لغوی و اصطلاحی عمل و نجات

عمل واژه‌ای عربی به معنای کاری است که انسان با عقل و علم و از روی قصد انجام می دهد

۱. اما شیعیان پیدایش تشیع را در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله می دانند.

(این منظور، ۱۴۱۴ ق: ۴۵ / ۱۱؛ راغب اصفهانی، ۱۹۹۸ م: ۴۵۱) و گفته‌اند عمل ایجاد اثر و تغییر در شیء و یا ایجاد افعال با رنج و زحمت است. (عسکری، ۱۴۱۲ ق: ۱ / ۳۷۷؛ هم‌نک: سیدمرتضی، بی‌تا: ۲ / ۲۷۷) منظور از عمل نجات بخش در شیعه، عمل صالح است که در آیات قرآن آمده و به احکام شریعت اسلام اختصاص دارد و با قصد اطاعت از امر خداوند انجام می‌شود و شامل اعمالی که فاقد این شرط است، نمی‌شود. (مفید، ۱۳۵۴: ۳۳۱؛ کاشانی، ۱۳۹۳ ق: ۲۸۴)

در مسیحیت، عمل - اعمال (works) کارهای نیک را گویند (افسیان ۲: ۱۰) که نتیجه محبت و اطاعت از شریعت الهی است و محض تمجید او به‌جا آورده می‌شود. عمل نشانه حیات ایمان و بیانگر قوت و ضعف و نوع ایمان می‌باشد. (یوشع ۲: ۱۷، ۱۸؛ مسترهاکس، ۱۳۸۳: ۶۲۰) در انگلیسی مدرن، واژه «Good Works»^۱ عموماً در ارتباط با اعمال نیکوکاری است. در قرون وسطا، منظور از این واژه، اعمال فداکاری دینی و نیکوکاری بود که جبرانی برای گناهان معتقدان گشته و به آنها موقعیت بهتری در نجات می‌داد. این واژه پیش از قرون وسطا نیز رایج بود و می‌توانست ادامه (تأثیر) کلمات عیسی در خطبه روی کوه باشد که: «بگذارید نور شما در برابر دیگران بدرخشد، چنان‌که آنها اعمال نیک شما را ببینند...» (متی ۵: ۱۶؛ ۶ - ۳: Luther, 2014: cf.) لوتر، اصطلاح مذهبی «کار» (vocation) را به شغل‌های دنیوی نیز تعمیم داد. کار روزانه همراه با صداقت، ایمان و عشق، خود شغل الهی خواهد بود. (مولند، ۱۳۸۱: ۲۷۷) منظور از عمل نیک، در پروتستان، بیشتر ده فرمان و دو قانون طلایی عشق به خدا و همسایه است. (Riggs, 2014: 114)

در فرهنگ اسلامی، نجات از ریشه «ن ج و» به معنای جداشدن یا دور شدن از خطر (راغب اصفهانی، ۱۹۹۸: ۱ / ۶۲۵؛ این منظور، ۱۴۱۴: ۱۴ / ۲۰۴؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴ ق: ۴ / ۳۹۷) و رهایی از هلاکت یا خلاص شدن از هر حادثه‌ای است. نجات در باب افعال و تفعیل از افعال ربوبی و به معنای دور کردن مؤمنان از ابتلائی است که در آن، یا در شرف وقوع آن هستند. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۲ / ۵۱ - ۴۹) هیچ کلمه‌ای از ریشه نجا، به معنای نجات از یک گناه آلودگی یا آمرزش یک گناه، در قرآن وجود ندارد. (فلاطوری، بی‌تا: ۱ / ۱) نجات از بعد ایجابی، به معنای فلاح و سعادت است. فلاح، به معنای بقاء، فوز و رسیدن به مطلوب است (ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۴۵۰) و در جایی به‌کار می‌رود که شخص در تنگنا و مشکلات و خطرهایی قرار گرفته و بتواند سالم از آنها عبور کند و به مقصد برسد. (مصباح، ۱۳۸۸: ۳۵)

آیات [صف / ۱۲ - ۱۰] هر دو معنای سلبی و ایجابی نجات را در بردارد:

۱. این واژه در انجیل لاتینی قرون وسطا وجود دارد و در متن و ولگات‌پیتز ظاهر می‌شود. اما در بیشتر ترجمه‌های انگلیسی این عبارت وجود ندارد.

آیا شما را به تجارتی که مایه رهایی از کیفر دردناک الهی است، هدایت کنم، به خدا و رسولش ایمان بیاورید و با مال و جان خود در راه خدا جهاد کنید ...^۱

آن تجارت نجات بخش، در مرحله اول ایمان و در مرحله بعدی عمل است و نتیجه آن، از یک سو، آمرزش الهی و نجات از خلود در دوزخ و از سوی دیگر، داخل شدن به بهشت جاودان است. نجات، به انگلیسی (salvation)، یونانی آن (soteria) به معنی «رهایی»، «امنیت بخشیدن» و «حفظ کردن از خطر» است که در کتاب مقدس به عنوان «راه» یا جاده‌ای که ما را به سوی مشارکت و حیات جاوید با خدا در آسمان هدایت می‌کند، شرح داده شده است. (متی ۷: ۱۴) اما معنی اصلی رهایی به یونانی (apolutrosis)، خرید آزادی کسی با پرداخت بها است، و در اینجا نجات با پرداخت یک فدیة، کسب می‌گردد. (محمدیان، ۱۳۸۰: ۴۴۱) در عهد جدید آموزه رهایی (redemption) براساس سه مفهوم ساخته شده است: ۱. برای رهایی انسان از گناه پرداخت بها لازم است. ۲. مرگ مسیح نه تنها، بهای گناهان انسان را پرداخته، بلکه او را از اسارت گناه خارج ساخته است. ۳. انسان خریداری شده، به واسطه جانشینی و نیابت مسیح و براساس خون او، از هر نظر رها و آزاد شده است. (عبرانیان: ۹: ۱۲) و نتیجه به‌دست آمده از آن، تقدیس مردم و اشتیاق آنها برای انجام کارهای نیک است (تیتس ۲: ۱۴؛ محمدیان، ۱۳۸۰: ۴۴۳) این (تقدیس) می‌تواند معنای ایجابی نجات باشد. (مگ کراث، ۱۳۸۴: ۶۱۸)

پس نجات در مسیحیت ابتدا نجات از جسم گناه^۲ و یافتن تولد دوباره و زندگی در روح و در مسیح است: «زیرا این را می‌دانیم که انسانیت کهنه ما با او مصلوب شد تا جسد گناه معدوم گشته ...» (رومیان ۶: ۸ - ۶) عیسی داخل شدن در ملکوت خدا (یوحنا ۳: ۳) یا تسلیم شدن به شرایع الهی را نجات دانسته و آن را تولد دوباره می‌نامد. (کیدو، ۱۹۸۸: ۴۷) که هم پاک شدن و هم تقدیس را شامل می‌شود (رومیان ۱۹: ۱۸ - ۶ و ۱۴) و به نجات اخروی از عذاب دوزخ و زندگی ازلی در بهشت منتهی می‌گردد.

۴. عمل و نجات در مذهب پروتستان

بحث عمل و نجات در مسیحیت، در دو دوره مختلف مطرح شد. یکی در زمان آگوستین (قرن ۴ و ۵ م) که مسئله نقش عمل در نجات، در برابر فیض مطرح گشت. دیگر بار در زمان لوتر (قرن ۱۵ و ۱۶ م) که مسئله نقش عمل در نجات در برابر نقش ایمان مطرح شد. آگوستین به گناه اولیه پولس، جنبه موروثی و

۱. هل ادلکم علی تجاره تنجیکم من عذاب الیم تؤمنون بالله ورسوله وجاهدون فی سبیل الله باموالکم وانفسکم... یغفر لکم ذنوبکم ویدخلکم جنات تجري من تحتها الانهار.

۲. مسیحیان جسم و زندگی جسمانی را گناه می‌دانند و معتقدند در اثر گناه اولیه انسان صورت جسمانی یافت.

جنسیتی داد و گفت با گناه آدم و حوا، نطفه‌ای از تمایل به بدی در انسان قرار گرفت که از طریق میل جنسی و شهوت به فرزندان آدم انتقال یافت. بنابراین انسان‌ها ذاتاً گناه آلودند و این آلودگی، اراده انسان را در جهت انجام اعمال نیک ضعیف کرده است. (اعترافات ۸: ۵) از این رو، انسان بدون فیض الهی قادر نیست هیچ کار نیکی انجام دهد. (لین، ۱۳۸۰: ۸۸؛ مک گراث، ۱۳۸۴: ۶۸۲) بنابراین، فیض الهی در امر نجات، اهمیت ویژه‌ای یافت (لین، ۱۳۸۰: ۸۸) و بحث پاکی از گناه اصلی (و پیامدهای آن) به معنای اولین مرحله از نجات، بر پایه فیض مسیح، مطرح گشت.

در دوره اصلاحات، لوتر و مصلحان بعدی، همان دیدگاه آگوستین را با تأکید بیشتری بیان کردند، با این تفاوت که لوتر با توجه به کتاب مقدس، به جای نجات، پاکی از گناه و درستکار شمرده شدن^۱ و به جای فیض، ایمان را قرار داد. لوتر با تأکید بر کتاب مقدس و به‌ویژه نامه‌های پولس، تصمیم گرفت تا آموزه پولسی «پاک شمرده‌گی تنها از طریق ایمان» را که آگوستین نیز بر آن تأکید داشت، دوباره احیا کند. در مجادله درباره اعمال و نجات از گناه، سؤال اصلی این است که آیا پاکی از گناه و درستکار شمرده شدن یا عدالت ما در برابر خدا به‌وسیله شریعت و عمل به آن است؟

درباره اعمال خوب، دو تقسیم در کلیساهای پروتستان پدید آمد: الف) بعضی الهی‌دانان^۲ معتقد بودند اعمال خوب برای نجات ضروری هستند و بعضی دیگر^۳ در مقابل آنها اعتقاد داشتند که اعمال خوب برای نجات مضر و آسیب رسانند. (نک: مولند، ۱۳۸۱: ۲۹۲) ب) انشقاقی دیگر نیز میان برخی الهی‌دانان با توجه به دو کلمه ضروری و آزاد پدید آمد، چون یک طرف ادعا می‌کرد که کلمه ضروری درباره اطاعت جدید نباید به‌کار گرفته شود، چون آنها می‌گویند، این اطاعت نه از ضرورت و اجبار، بلکه از یک روح ارادی ناشی می‌شود، و طرف دیگر بر کلمه ضروری تأکید می‌کند؛ زیرا آنها می‌گویند، این اطاعت در اختیار ما نیست، بلکه این (فیض) خداوند است که به کسانی که متعهد می‌شوند این طاعت را به‌جا آورند، تولد دوباره می‌بخشد. ج) سپس مجادله‌ای دیگر درباره خود موضوع رخ داد؛ چون یک طرف ادعا می‌کرد که در میان مسیحیان، شریعت اصلاً نباید مورد بحث باشد، بلکه انسان‌ها باید تنها به‌وسیله انجیل مقدس به کارهای خوب تشویق شوند؛ و طرف دیگر این را انکار می‌کرد. (Formula of Concord, 1584: IV)

با توجه به این که موضوع نقش عمل در نجات، به مباحث ایمان و معاد باز می‌گردد و نجات، جز با

۱. به نظر می‌رسد معادل دقیق‌تر برای واژه «Justification» که غالباً در فارسی، معادل «عادل شمرده‌گی» یا «آمرزیدگی» به‌کار رفته است، «پاک شدن از گناه» یا «درستکار شمرده شدن» باشد. (Cf. Simpson, J. G., "Justification",

Encyclopedia of Religion and Ethics, vol. vii, P. 615

۲. مانند: جورج میجر George Major (۱۵۷۴ - ۱۵۰۲).

۳. مانند: نیکلوس فن آمسدورف Nikolaus von Amsdorf (۱۵۶۵ - ۱۴۸۳).

لطف الهی ممکن نیست، در این پژوهش، برای بررسی دقیق این موضوع، به بیان رابطه عمل با فیض، ایمان، معرفت و محبت می‌پردازیم.

۱-۴. عمل و فیض

فیض «grace»، از ریشه عبری «hesed» (محبت عاشقانه)، یونانی آن «charis»، به معنای «عشق پایدار» است، و در اصطلاح مسیحی به معنای قدرت فعال در مسیحیان است که از روح مسیح ناشی می‌شود. از دیدگاه پولس، فیض به معنای لطف خداست، که در ظهور عیسی مسیح فعال می‌شود. اساس همه فیض‌ها (ایمان، ثبات، اعمال)، فعالیت نجات‌بخش خداست که برای نوع بشر در تاریخ و سرنوشت عیسی آشکار شد. این فیض نه تنها بخشش گناهان، بلکه وجودی تازه و جاوید را نیز عطا می‌کند. (رومیان ۶: ۲۳؛ نک: براون، ۱۳۸۲: ۱۲۸)

تعالیم پلاگیوس‌ها^۱ (قرن ۵ م) و اصلاح گران (قرن ۱۶ م) زمینه مجادلات سختی را درباره ارتباط فیض با کارهای خوب در مسیحیت فراهم ساخت. با تأکید آگوستین بر گناه اولیه و اهمیت بیشتر فیض در نجات، نقش عمل انسان در نجات کم‌رنگ شد. از نظر او انسان سقوط کرده، می‌تواند آزادانه آنچه را می‌خواهد اراده کند، اما او آزاد نیست تا آنچه را باید بخواهد (ایمان و نجات را) اراده کند. (لین، ۱۳۸۰: ۸۸) فیض یگانه مبنای نجات و موهبتی رایگان است که پیوسته تا آخر عمر، مورد نیاز انسان‌ها است، اما مستلزم مشارکت و همکاری دائمی آنها نیز هست. (کونگ، ۱۳۸۸: ۱۰۸) در ارتباط فیض و عمل، با توجه به آموزه آگوستین این سؤال مطرح می‌شود که اگر انسان تنها با فیض مسیح و برگزیدگی نجات می‌یابد، آیا دیگر لازم نیست برای نجات خود بکوشد یا کار نیکی انجام دهد؟ این عقیده می‌تواند در جامعه موجبات تن‌آسایی و سهل‌انگاری را فراهم کند. بنابراین دیدگاه آگوستین مورد اعتراضات گسترده قرار گرفت.

پلاگیوس (۳۵۰ م) اراده انسانی و شریعت الهی را فیض خدا می‌دانست و نجات به وسیله کارهای نیک را مطرح می‌کرد. (نک: مک گراث، ۱۳۷۸: ۱۷۱) ولی منظور آگوستین از فیض، فیض مسیح بود که از طریق ایمان دریافت می‌شود. او حتی ایمان را در آغاز، ادامه و کمالش عمل فیض پیشین می‌دانست. (نک: فیلیپیان ۱: ۶؛ Cf.: Wiggers, 1860: 177 & 199) به گفته آگوستین، ما نمی‌توانیم کارهای خوب پارسایی را بدون او انجام دهیم، «این خداست که در شما عمل می‌کند، حتی برای اراده» (فیلیپیان ۱۳: ۲؛ Augustine, 1887: chap2 / 6) ولی آگوستین همواره دو چیز را موعظه می‌کرد، اول فیض خدا و بلافاصله شریعت خدا. (Saint Augustine, 1992: 320) در واقع ایمان آگوستین جمع بین اراده و فیض بود. (Augustine, 1887: chap10 / 15)

۱. Pelagians، پیروان پلاگیوس، راهب بریتانیایی که گناه اولیه و تجسد پسر خدا برای نجات را انکار می‌کرد.

پروتستان‌ها به‌ویژه، لوتر و کالون (۱۵۰۹)، در مورد نجات، پیرو آگوستین بودند. آنها ایمان، عشق و اعمال نیک را محصول فیض می‌دانند، اما ایمان را اصل، و عشق و عمل را ملازم با آن قرار داده و معتقدند ایمان خود از طریق کلمه و فیض عطا می‌شود. ایمان کار خداست که همه وجود انسان را تصرف می‌کند. (Cf.: Concord, Appology, 1584: 16) این فیض است که ما را شایسته انجام شریعت می‌کند، نه انجام شریعت، شایسته فیض. (Augsburg, 1921: 7) در حقیقت، اعمال استحقاق‌آور نیستند، بلکه گواهی ارتباط با مسیح و فیض او هستند که از پیش در ما عمل می‌کند. (Erickson, 1990: 1013)

از نظر لوتر و کالون، آموزه فیض آگوستین، یعنی نجات از طریق فیض با عضویت در کلیسا، در نهایت همان تقدیر الهی و مستقل از عمل و شایستگی انسان است. (رنارد، ۱۳۹۴: ۱۹۰) پروتستان‌ها بر کتاب مقدس به‌عنوان پایه اخلاق تأکید کرده و اندیشه‌های قرون وسطایی، یا «اعمال صداقت» را رد کردند و تأکید نمودند که زندگی مسیحی در اصل یک پاسخ به نجات بوده، که قبلاً توسط خدا هدیه شده است. نجات موضوع فیض، و اخلاق (عمل) موضوع قدردانی و سپاس است. (Riggs, 2014: 114) انگیزه مسیحیان از عمل به شریعت، کسب نجات نیست، بلکه نشانه عمق قدرشناسی آنها نسبت به محبت عظیم خداست. (نک: یوحنا ۱۴: ۲۱ - ۱۵)

لوتر معتقد بود که فیض از طریق اعمال نیک کلیسایی و خرید عفونامه، عطا نمی‌شود، بلکه رایگان به کسانی که از روی ایمان و عشق و با نیت خوب به دیگران خدمت می‌کنند، بخشیده می‌شود، چون اعمال خوب کلیسایی، از ایمان و عشق و خدمت تهی هستند و نمی‌توانند ثمره زندگی مسیحی باشند. از نظر لوتر، این اعمال خوب، بهایی بودند که برای خریداری فیض از خدایی هزینه می‌شد که بیشتر مراقب «اعمال خوب» انجام شده بود تا ویژگی عمل‌کننده. (Luther, 2013: 4)

پروتستان‌ها نیز به کلیسا و شعایر اهمیت می‌دهند. اما آنها تنها دو شعار را که در کتاب مقدس ذکر شده، می‌پذیرند. از نظر کالون، کلیسا محل پیمان فیض خداست و برای نجات ضروری است؛ چون مؤید به شخص و کار مسیح است. (ویبور، ۱۳۹۳: ۱۸۵) شعایر غسل تعمید و عشای ربانی از نظر کالون، از ابزار فیض است و موجب تقویت ایمان انسان می‌شود. (مک گراث، ۱۳۸۷: ۲۷۲) از نظر لوتر، در این جهان مادی، بدون آیین‌های تعمید و عشای ربانی نمی‌توان زندگی کرد. به‌خصوص به کارستن این آیین‌ها و اعمال نیک، در دوران جوانی و بی‌تجربگی لازم است. و به‌وسیله آنها می‌توان به مراقبت از دوران جوانی پرداخت. (دانستن، ۱۳۸۱: ۸۸) لوتر «کلمه و شعایر»، هر دو را، برای زندگی فردی و کلیسایی ضروری می‌داند و بر این باور است که فیض از طریق هر دو دریافت می‌شود. (مولند، ۱۳۸۱: ۲۷۸)

لوتر میان شریعت و انجیل (بشارت) تمایز قائل بود، اما زوینگلی^۱ (۱۴۸۴) و کالون، هر دو را یکی می‌دانستند. (مک گراث، ۱۳۸۷: ۲۷۴؛ وحیدی مهرجردی، ۱۳۹۶: ۹۸)

کالون، بر طاعت خدا و انکار نفس (نوعی پرهیزکاری) تأکید می‌کند و آن را لازمه نیکوکاری می‌داند. او اگرچه اصل پرهیزکاری را از خدا می‌داند ولی به نقش انسان هم تاحدودی توجه دارد. (Calvin, 2014: 832 & 834)

۲-۴. عمل و ایمان

در دوره اصلاحات، مارتین لوتر (۱۴۸۳ - ۱۵۴۶) مفهوم پولسی - آگوستینی ایمان را برگزید و بر ایمان به معنای «اعتماد به فیض مسیح» برای آموزش گناهان و نجات، تأکید کرد. از نظر لوتر دو نوع اعتقاد وجود دارد: نخست اعتقاد به خدا، بدین معنی که می‌دانم آنچه درباره خدا گفته می‌شود درست است (معرفت یا ایمان غیرواقعی). دوم اعتقاد به خدا به معنای اعتماد به این که او با من به همان شیوه که درباره‌اش گفته می‌شود رفتار خواهد کرد. (ایمان واقعی) و این چیزی بود که لوتر در کتاب مقدس از معنای این آیه: «...عادل به ایمان زیست خواهد کرد» (رومیان ۱۷: ۱) دریافت. پس ایمان به معنای واقعی، اعتماد است که اعتقاد (موافقت) را نیز در خود دارد. (نک: براون، ۱۳۸۲: ۱۳۷ - ۱۳۶) لوتر با تفکر در آیه (رومیان ۱۷: ۱) به این تجربه رسید که عدالت خدا، ما را محکوم نمی‌کند، بلکه ما را توسط ایمان پاک می‌سازد. او دریافت که انجیل، عمل نجات‌بخش و آمرزشگر خدا را آشکار می‌کند (ویور، ۱۳۹۳: ۱۸۰ - ۱۷۹؛ براون، ۱۳۸۲: ۱۳۸؛ Olson, 1999: 289) و خداوند، پاکی و درستی را چون موهبتی، به گناهکاران می‌بخشد. (مک گراث، ۱۳۸۴: ۶۹۷) از نظر لوتر، ایمان آمرزشگر سه ویژگی دارد: ۱. امری شخصی است نه صرفاً تاریخی. ۲. ناظر به اعتماد به وعده‌های خداست که وعده مغفرت و بخشش گناهان است. ۳. موجب اتحاد روح مؤمن با مسیح می‌شود. (همان، ۶۹۸؛ مهرجردی، ۱۳۹۶: ۸۹)

از مهم‌ترین تأثیرات نهضت اصلاح دینی لوتر در قرن شانزدهم، تغییر عبارت «نجات از طریق فیض» به عبارت «پاک شدن (عادل شمردگی)^۲ از طریق ایمان» بود. آموزه عادل شمردگی، به تدریج برای فهم این نکته به کار رفت که فرد برای نجات چه باید بکند؟ چگونه گناهکار می‌تواند با خدا ارتباط برقرار کند یا به این ارتباط امیدوار باشد؟ این سؤال در کانون توجه الهیاتی مارتین لوتر قرار داشت. (مک گراث، ۱۳۸۴: ۶۹۵)

پرسشی که لوتر را آزار می‌داد این بود «آیا به قدر کافی به وظایف عمل کرده‌ام؟» با توجه به این کلمات «ما غلامان بی‌منفعت هستیم؛ فقط آنچه را بر ما واجب بود به‌جا آوردیم» (لوقا ۱۰: ۱۷) همواره نوعی

1. Zwingli.

۲. از نظر لوتر و کالون، منظور از پاک شدن، پاکی و عدالت خارجی مسیح است که به ما نسبت داده شده، اما اعطا نشده است.

بی‌اعتمادی در این باره باقی می‌ماند. (براون، ۱۳۸۲: ۱۳۹)

تا آن زمان، اعمال نیک، که به ترتیب شامل فعالیت‌های دینی و نیکوکاری می‌شد، یک بخش لازم از زندگی مسیحی بود که نه تنها برای راهبان، بلکه برای هر معتقدی که خواستار جایگاه ازلی در آسمان بود، به کار می‌رفت. ولی پس از شروع اصلاحات، مردم درباره اعمال نیک، گیج می‌شدند. لوتر و همکارانش ادعا می‌کردند که نجات تنها با ایمان به دست می‌آید و نه با اعمال. این تأکید بر اساس آیات کتاب مقدس بود، مانند رومیان ۳: ۲۸: «چون ما معتقدیم که شخص با ایمان آمرزیده و پاک می‌شود جدا از اعمال شریعت». اصلاح‌گران واژه «justification» را که پولس از عهد قدیم گرفته بود، با نجات برابر گرفتند و این ادعا را با آیاتی همچون افسسیان ۲: ۹ - ۸: «چون شما به وسیله فیض نجات یافته‌اید از طریق ایمان...» محکم کردند. پولس نگفت که مسیحیان شریعت را، که او در ابتدا با آن ده فرمان را تفسیر می‌کرد، برانداخته‌اند، بلکه گفت که آنها از شریعت «حمایت می‌کردند» (رومیان ۳: ۳۱) اما خوانندگان و شنوندگان لوتر، این را به خود گرفتند که در اصل از التزام به هر کار خوبی آزاد هستند - شکایتی که نه تنها از لوتر بلکه از دیگر واعظان قدیم که مدافع دیدگاه‌های لوتر بودند نیز شنیده می‌شد. بدفهمی‌های عوام از تعالیم لوتر را می‌توان این گونه خلاصه کرد - اگر پاک شدن تنها با ایمان و نه با اعمال حاصل می‌شود: «پس، چه بهتر! ما به انجام هیچ کار نیکی نیاز نداریم؛ ما تنها ایمان را با شادی می‌پذیریم. اگر نماز، روزه، ... و نیکوکاری لازم نیست، پس ما نزدیک اجاق می‌خواهیم، پاهایمان را روی کاشی‌های گرم کرده، ... و با دهانی باز منتظر قمری‌های بریان شده می‌مانیم». (Cf.: Luther, 2014: 3 - 6) اما مؤمنان حقیقی بدین شیوه سخن نمی‌گویند. آنان با اینکه ایمان را موهبت الهی می‌دانند، اما بی‌ایمانان و کسانی که کارهای شریانه انجام می‌دهند را مسئول می‌دانند و خدا را مقصر جلوه نمی‌دهند. (نک: براون، ۱۳۸۲: ۱۴۳ - ۱۴۱) پولس، با تأکید بر مسئولیت آدمی و بلافاصله، با تأکید بر این که رستگاری موهبت خداست، می‌گوید: «نجات خود را باترس ولرز به عمل آورید، زیرا خداست که در شما بر حسب رضای خود هم اراده و هم عمل را ایجاد می‌کند» (فیلیپیان ۲: ۱۳۲ - ۱۲) بهترین پاسخ به پرسش «آیا در گناه بمانیم تا فیض افزون گردد؟» پاسخ منفی مؤکد پولس در نامه‌اش به رومیان است: «حاشا!» (رومیان ۲، ۶، ۱۵ و ۶)

در رابطه با آموزه پاک شدن از گناه (عادل شمردگی) با ایمان، رایج‌ترین بدفهمی این است که بار ضرورت انجام کارهای نیک را از دوش مؤمن برمی‌دارد. البته اصلاح‌طلبان انجام کارهای نیک را به‌عنوان راه رسیدن به رستگاری انکار می‌کردند، اما ارزش کارهای نیک را انکار نمی‌کردند. آنها با تأکید می‌گفتند که کارهای نیک ثمره رستگاری است. لوتر بیان می‌کرد که «کارهای نیک انسان نیک نمی‌سازد، بلکه انسان نیک اعمال نیک انجام می‌دهد. (همان: ۱۴۳) لوتر بین انسانیت درونی و بیرونی

تمایز قابل می‌شود. در مورد انسانیت درونی، وی تأکید می‌کند که ما تنها توسط ایمان پاک و درستکار (عادل) می‌شویم. اعمال نیک ابزار پاک و عادل شدن نیستند، بلکه ثمره پاک شدن انسانیت درونی، اعمال نیک بیرونی است. (لین، ۱۳۸۰: ۲۵۷؛ نک: مهرجردی، ۱۳۹۶: ۸۱)

۴-۲-۱. ضرورت انجام اعمال نیک در مذهب پروتستان

بنابراین، الهی‌دانان پروتستان، هم تحولات درونی و هم اعمال نیک بیرونی را درک می‌کنند. آنها نه تنها اعمال خوب را لازم می‌دانند، بلکه چگونگی انجام آنها را نیز نشان می‌دهند [که این اعمال باید از قلب منشأ بگیرند، و همچون اعمال بی‌روح و سرد ریاکاران نباشند] (book of concord, 1584: 24) اعمال انجام شده پس از پاک و عادل شدن به منزله میوه برای درخت هستند. آنها می‌گویند:

ایمان به مسیح نه تنها ما را از اعمال، بلکه از این اعتقاد نادرست در مورد اعمال، یعنی از امکان پاک و عادل شدن توسط اعمال، نیزهایی می‌دهد. (لین، ۱۳۸۰: ۲۵۷)

اما، ایمانی که اعمال را ایجاد نکند، ایمان حقیقی نیست و در مقابل، اعمالی که از ایمان و از یک ارتباط مناسب با مسیح منشأ نگرفته باشند، نیز تکیه گاهی در زمان داوری ندارند، همان‌گونه که عیسی در متی ۷: ۲۳ - ۲۲ می‌گوید که در آن روز بسیاری به او خواهند گفت، «پروردگارا، پروردگارا، آیا ما نام تو را ابلاغ نکردیم، و شیاطین را با نام تو دور نمودیم و...؟» و عیسی پاسخ می‌دهد: «من شما را نمی‌شناسم؛ از من دور شوید، شما ای بدکاران...» چون اعمال آنها بدون ایمان حقیقی و تسلیم انجام شده است. (Erickson, 1990: 1013 - 1014)

نجات از طریق ایمان بدون اعمال شریعت، با تأکید بر این نکته است که اگرچه در کنار مسیح و عدالتش، انجام شریعت نیز برای نجات ضروری است، اما نباید شریعت را به جای مسیح قرارداد. قدرت نجات تنها متعلق به مسیح است و شریعت بدون مسیح چنین قدرتی ندارد. (Luther, 2013: 10)

پروتستان‌ها، به‌ویژه لوتر، با کمیت و کیفیت «اعمال خوب» در کلیسای کاتولیک که برای انواع تخلفات در نظر گرفته شده بودند، مشکل داشتند. آنها بر کتاب مقدس به‌عنوان پایه و اساس عمل تأکید داشتند و اعمال بسیار (ابداعات کلیسا) را رد می‌کردند. لوتر و کالون، هردو ده فرمان را به‌عنوان یک چارچوب وسیع برای تعالیم اخلاقی و عملی به کار بردند و به فرمان‌های عشق عیسی استناد کردند. (Riggs, 2014: 114)

از دیدگاه لوتر، نوع درست اعمال نیک، اعمال و باورهایی هستند که از طریق آنها ده فرمان اطاعت می‌شود. اولین و اصلی‌ترین عمل نیک ایمان است که از طریق آن اولین فرمان اطاعت می‌شود که به همه فرمان‌های دیگر منتهی گشته و آنها را تقویت می‌کند. پس، معیار تشخیص کارهای خوب، مطابقت

با فرمان‌های خدا است. (Luther, 2014: 9) علت و ضرورت انجام اعمال نیک، این است که همان‌گونه که خدا از طریق مسیح بی‌هیچ چشمداشتی، تنها از سررحمت، همه ثروت‌های پرهیزگاری و رستگاری را به ما - انسان‌ها بدون شایستگی - عطا کرده، ما نیز به نوبه خود آزادانه، شادمانه و بی‌چشمداشت، کاری انجام می‌دهیم که خوشایند او باشد. (براون، ۱۳۸۲: ۱۴۴) پس اعمال نیکو باید انجام شوند، ولی نه برای به‌دست آوردن فیض خدا، بلکه برای انجام دادن اراده خدا و تجلیل او. همواره ایمان، فیض و بخشش گناهان را در می‌یابد و قلب ما را توسط روح‌القدس برای انجام اعمال نیک برمی‌انگیزد. (Augusburg Confession, 1921: xx) بنابراین ایمان، شریعت را نسخ نمی‌کند، بلکه آن را برپایه دارد. (نک: رومیان ۳۰، ۳۱) «اگر شما به حیات وارد شدید، فرمان‌ها را نگاه دارید» (متی ۱۹، ۱۷) و نیز: «اگر من نیکوکاری نداشته باشم، هیچ سودی برایم ندارد.» (۱ قرن‌تیاں ۱۳: ۳) اینها و جملات مشابه گواهی می‌دهند که شریعت باید (با ایمان) در ما آغاز شده باشد، و توسط ما هرچه بیشتر و بیشتر حفظ شود. (Melanchthon, 1584: 22) البته منظور از شریعت، احکام ده‌گانه موسی^۱ است، که در ارتباط با دگرگونی‌های قلب فرمان می‌دهد. (نک: رسولان، ارمیا ۳۱، ۳۳) بنابراین، ما مؤمنان با پاک و عادل شمرده شدن به‌وسیله ایمان و با تولد دوباره، ترسیدن و عشق ورزیدن به خدا، عبادت برای او، انتظار کمک از او و اطاعت از او، ... و همچنین عشق ورزیدن به همسایه‌های خود را آغاز می‌کنیم. این چیزها بدون پاک و عادل شمرده شدن به‌وسیله ایمان، نمی‌تواند رخ دهد؛ چون شریعت، در ابتدا نمی‌تواند بدون مسیح و همچنین بدون روح‌القدس و بدون ایمان، حفظ شود: «باشد که ما وعده روح‌القدس را از طریق ایمان دریافت کنیم.» (غلاطیان ۳: ۱۴) پولس اعتقاد نادرست «پاک و عادل شدن توسط قانون کامل» را به نقابی که چهره موسی را پوشاند، تشبیه می‌کند و می‌گوید: «اکنون این نقاب به‌وسیله ایمان به مسیح و دریافت روح‌القدس، از ما برطرف شده است. (۲ قرن‌تیاں ۳: ۱۵) خدا زشتی گناه را به قلب‌های ما نشان داده، از این رو، ما از این خطا آزادیم و برای اولین بار می‌فهمیم که از انجام شریعت دوریم. (Ibid: 24)

در مسیحیت ایمان، دارای ثمرات و نتایجی است که بیانگر مراتب آن است و آخرین ثمره ایمان و روح‌القدس، پرهیزکاری است. پرهیزکاری یعنی اراده و امیال خود را تحت کنترل میل و اراده روح‌القدس قرار دهیم؛ یعنی به روح رفتار کرده، شهوات جسم را به‌جا نیاوریم (غلاطیان ۵: ۱۶؛ نک: هیل، تورسون، ۲۰۰۱: ۹۵۹ - ۹۵۸)

از نظر پولس، پاک و عادل شدن نمی‌تواند از طریق اعمال باشد؛ چون اعمال در زمان یا در کمیت یا در کیفیت، نقص دارند و باید از یک قلب تولد یافته ناشی شوند تا مورد پذیرش قرار گیرند، که بنابر آن

1. The Decalog.

ایمان، پیش‌فرض ضروری است. (Werke, 124) لوتر مانند آگوستین ادعا می‌کرد که اعمال نیک ظاهری، بدون ایمان، درواقع گناه آلودند. (Luther, 2014: 3) او تأکید کرد که خوبی اعمال با توجه به نیات خوب، معلوم می‌شود. او گفت حتی کارهای معمولی و خدمت به دیگران اگر با ایمان و نیت قلبی درست انجام شوند، می‌توانند خدا را راضی کنند. (Ibid, 4) از نظر لوتر، ما باید کارهای خوب را، نه از ظاهر و اندازه، یا تعداد آنها، و نه از دآوری انسان‌ها و ...، بلکه از فرمان‌های خدا تشخیص دهیم. (Ibid, 9) از نظر لوتر، «نوع درست اعمال نیک»، پرورش ایمان و اطاعت از ده فرمان به روش‌های درست است. (Cf.: Ibid, 3-6)

۳-۴. عمل و معرفت

مذهب پروتستان، عمل را محصول معرفت نمی‌داند، بلکه عمل را محصول اعتماد کامل به خدا و وعده‌هایش و محصول فیض الهی و عشق می‌داند. ایمان حقیقی، نه معرفتی خاص، بلکه توکل قلبی است که روح‌القدس با به‌کارگیری انجیل درما به وجود می‌آورد. (لین، ۱۳۸۰: ۲۹۷)

مخالفت با ایمان به معنای معرفت، و موافقت با یک سری گفته‌ها و گزاره‌ها، یکی از دلایل برای اصلاح دین بود. (براون، ۱۳۸۲: ۱۳۶) از نظر لوتر، ایمانی منشأ عمل است که علاوه بر اعتقاد و موافقت با محتواها که بیشتر نوعی معرفت و شناخت است، بر اعتماد دلالت کند. اگرچه معرفت و موافقت با محتوا، لازم است و زمینه اعتماد را فراهم می‌آورد، اما تا زمانی که این معرفت و تصدیق، محاط در اعتماد نشود، ما به عمق ایمان پی نبرده‌ایم و به ایمان واقعی که منشأ اطمینان و عمل است، دست نیافته‌ایم. (نک: همان: ۱۳۷ - ۱۳۶)

از دیدگاه کالون، حکمت حقیقی شامل معرفت خدا و معرفت خود است. (لین، ۱۳۸۰: ۲۵۹) معرفت خدا، ما را از آلودگی‌های دنیا جدا می‌کند و با تقدیس حقیقی ما را باخدا متحد می‌سازد. از نظر کالون فیض خدا، در ابتدا بزرگ‌ترین مانع اصلی راه، که عدم معرفت نسبت به خداست، از ما برطرف می‌کند. منظور از معرفت، ترس شدید از خداست. او، همراهی پایدار سه فضیلت میان‌ه‌روی، صداقت و معرفت را موجب کمال مطلق می‌داند. (Calvin, 2014: 831) اگرچه معرفت موجب عمل نمی‌شود ولی قصور در انجام هر یک از احکام شریعت موجب هلاکت ابدی می‌شود. (Ibid, 906) یکی از کارکردهای شریعت، آگاه کردن ما از گناه و مرگ و بدبختی خودمان و خشم خداست. (Luther, 2013: vers.19)

خداوند در شریعت خود، تواضع حقیقی را به ما می‌آموزد. او شریعت مکتوب را در قلب‌های ما نیز حک کرده است. از این‌رو، ما با یک گواهی درونی و بیرونی مدیون خدا هستیم که فرق میان خوب و بد را به ما نشان می‌دهد و بنابراین وقتی از تکالیفمان منحرف می‌شویم، ما را متهم می‌کند. (Calvin, 2014: 431)

۴-۴. عمل و محبت

محبت، موجب عادل شمردگی نیست؛ چون انسان قبل از عادل شمردگی توسط ایمان، جرأت نمی‌یابد که به یک خدای خشمگین عشق بورزد. (Melanchthon, 1584: 13) ما با لطفی که به وسیله ایمان درک می‌کنیم می‌توانیم به خدا عشق بورزیم. بنابراین، شاید اعمال بیرونی شریعت راه، تا اندازه‌ای، بدون مسیح و روح القدس بتوان انجام داد، اما چیزهایی که تعلق خاص به شریعت الهی دارند، مانند عشق به خدا را، نمی‌توان بدون روح القدس دریافت کرد. (Ibid, art. iv (art.iii): 23)

اما ایمان و پاک و عادل شدن، محبت را به همراه دارد و محبت، عمل را نتیجه می‌دهد و این دو، همراهان ایمان حقیقی هستند. (Ibid, Art.iv: 13) پولس می‌گوید فقط آن ایمانی که به محبت عمل می‌کند نجات‌بخش خواهد بود. (متی ۷: ۲۱) با ایمان به عیسی صلوات الله علیه روح القدس به زندگی ما وارد شده و محبت خدا در دل‌های ما ریخته می‌شود. (رومیان ۵: ۵) محبت بزرگترین، مهم‌ترین و اولین ثمره روح القدس است. (رومیان ۲۲) بنابراین، ایمان به خدا همیشه قلب ما را با محبت خدا و عشق به دیگران پرخواهد ساخت. ما باید ایمان و نجات خود را به وسیله محبت عملی و واقعی نسبت به خدا و دیگران به نمایش بگذاریم. (هیل، تورسون، ۲۰۰۱: ۹۵۲) پس محبت نیز از ایمان ناشی شده و منشأ عمل می‌گردد. کالون معتقد است ما باید همه تکالیف نیکوکاری را انجام دهیم. اما منظور فقط انجام امور ظاهری نیکوکاری نیست، بلکه روش درست انجام این اعمال این است که آنها را بنابر اصل صادق عشق انجام دهیم. (Calvin, 2014, ch.vii: 837)

۵. نتایج مجادلات عمل و نجات (عادل شمردگی) در مذهب پروتستان

نظریه اصیل کلیساهای پروتستان در داوری کامل مجادله درباره عمل و نجات، به نظریه ایمان و اقرار باز می‌گردد: ۱. اعمال خوب قطعاً، به‌عنوان میوه‌های یک درخت خوب، ملازم و همراه ایمان حقیقی هستند. ۲. اعمال خوب نباید در بحث نجات و پاک شمردگی داخل شوند، همان‌گونه که رسول می‌گوید: «به وسیله فیض شما نجات یافتید از طریق ایمان؛ ...» (افسیسیان ۲: ۸، ۹) ۳. همه انسان‌ها، به خصوص آنان که تولد دوباره یافته‌اند، مقید به انجام اعمال خوب هستند. ۴. کلمه ضروری^۱ وقتی درباره تولد دوباره به کار می‌رود، دیگر از اجبار شریعت ناشی نشده، بلکه از یک روح ارادی منشأ می‌گیرد. (نک: رومیان ۶: ۱۴؛ ۷: ۶؛ ۸: ۱۴) ۵. این که دوباره تولد یافتگان اعمال خوب را از روحی آزاد انجام می‌دهند، بدین معنا نیست که انجام یا ترک عمل خوب در اختیار تولد یافته است، و همچنین بدین معنا نیست که او می‌تواند ایمان

1. Necessary.

را حفظ کند، حتی اگر عمداً در گناهان، باقی بماند. ۶. با توجه به روح آزادشده، او اعمال نیک را نه همچون بندگان، از ترس عقوبت، بلکه همچون فرزندان از عشق صداقت انجام می‌دهد. (رومیان ۸: ۱۵) ۷. اعمال، ایمان و نجات را در ما حفظ نمی‌کنند، بلکه تنها روح خدا، از طریق ایمان، نجات را در ما حفظ می‌کند و اعمال خوب از حضور و سکونت آن گواهی می‌دهند. ۸. هر سخنی مبنی بر این که اعمال خوب در نجات نقش دارند چه به‌عنوان ضروری بودن باشد یا مضر بودند، نزد ما محکوم است. ۹. لازم است به مسیحیان یادآوری شود که کارهای خوب را، به‌عنوان اظهار ایمانشان و قدردانی نسبت به خدا، انجام دهند. ۱۰. این اصل جزمی^۱ که ایمان و سکونت روح‌القدس با گناه ارادی از دست نمی‌رود، بلکه این امر نیز که برگزیدگان، روح‌القدس را حتی در صورت اصرار بر بی‌عفتی و گناهان دیگر، حفظ می‌کنند، محکوم می‌شود. (Formula of Concord Epitome, 1584: iv) پس شریعت ایمان نیز عمل به فرامین الهی است، ولی این عمل از سرعبودیت و محکومیت جسم نیست چون اعمال صرفاً جسمانی روح را پاک و عادل نمی‌کند، بلکه این عمل از سرحاکمیت روح ایمان بر جسم گناه و رهایی از آن توسط مسیح. (غلاطیان ۵: ۲۶ - ۱۳؛ متی ۵: ۴۸) با وجود اختلافاتی که در مورد عمل در مسیحیت ایجاد شد، در مکتب پروتستان، عمل اگرچه از مبحث نجات کنار گذاشته شد، ولی به‌عنوان ثمره و گواه ایمان حقیقی که در روز داوری پذیرفته می‌شود، جایگاه خود را در آموزه ایمان بازیافت.

۶. عمل و نجات در اسلام شیعی

زمینه بحث نقش عمل در نجات، در اسلام در قرن دوم هجری، توسط فرقه سیاسی خوارج، مطرح شد و سپس جنبه کلامی یافت. مطلب این بود که گروهی از یاران امام علی علیه السلام، انتخاب حکم از سوی ایشان برای حل مسئله جنگ صفین در سال ۳۷ / ۶۵۷ را نپذیرفتند و رجوع به قرآن برای حکمیت را مقدم بر هر نظر دیگری دانستند و امامشان را به علت تقدم داوری انسان بر حکم الهی، مرتکب کبیره، کافر و مخلد در دوزخ خواندند. (اشعری، بی تا: ۷۳) خوارج، مؤمن واقعی را منزّه از گناه کبیره می‌دانستند و این سرچشمه اندیشه‌های بعدی مسلمانان درباره «امت‌شناسی» بود که به جدانشدن آنان از امت اسلامی انجامید. پس از خوارج و معتزله، که عقیده‌ای مشابه درباره حکم مرتکب کبیره داشتند، امویان (قَدْرِيه) روی کار آمدند و عقیده تقدیر الهی در افعال و اعمال و سرنوشت آدمی را برای توجیه اعمال زشت اخلاقی و دینی خود مطرح کردند که با مخالفت گروه‌های مختلف اسلامی از جمله غیلان دمشق (۱۰۲ هـ) و حسن بصری (۱۱۰ هـ) مواجه شدند. آنان پاسخ می‌دادند که اگرچه تقدیر امور و اعمال توسط خداوند بی‌نقص است، ولی مسئولیت رفتار

1. Dogma.

بد گناهکاران را از دوش آنان بر نمی‌دارد. کوشش برای پوشاندن اعمال در سایه تقدیر الهی امری بیهوده است؛ زیرا عدالت الهی را نادیده می‌گیرد و به مسئولیت اخلاقی انسان آسیب می‌رساند. پرسش‌های بعدی درباره ایمان و عمل به وسیله مرجئه مطرح شد. سؤالاتی همچون: این که آیا کسی جز خدا می‌تواند درباره عقیده و وضع اخلاقی دیگران داوری کند؟ آیا ایمان الزاماً در اعمال خاصی آشکار می‌شود یا تنها تصدیق قلبی است؟ آیا ایمان قابل افزایش و کاهش است؟ و... این پرسش‌ها زمینه پیدایش بحث‌های بیشتر درباره معادشناسی در اسلام و «چهار موضوع پایانی» - مرگ، داوری، بهشت و دوزخ، شد که از متعلقات ایمان مسیحی و اسلامی به‌شمار می‌رود و هر دو سنت در این مورد، بیش از هر مورد کلامی دیگر با هم تفاهم دارند. (نک: رنارد، ۱۳۹۴: ۱۸۷ - ۱۸۵؛ ایزوتسو، ۱۳۸۰: ۳۴، ۶۳ - ۶۱؛ بغدادی، ۲۰۰۳: ۲۰۱ - ۱۹۹)

۱-۶. عمل و فیض (لطف)

فیض و لطف در لغت، به معنای مهربانی، نیکی، مدارا و هدیه از روی محبت است. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۲۰۴ ماده لطف؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۲۵۰) در اصطلاح امامیه، لطف، امری است از سوی خداوند که مکلف را به طاعت خدا نزدیک و از معصیت او دور می‌سازد. (حلی، ۱۴۱۳: ۳۵۰) لطف همواره با تکلیف در ارتباط است. در امامیه، تکلیف از مصادیق فیض الهی و سبب حصول طاعت است (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۰۳) و موجب می‌شود که انسان طریق هدایت را بیابد و به رستگاری برسد.

هدایت، فیض خدا و فعل ضروری او در انسان برای نجات است، ولی ایمان، فعل او نیست؛ چون او بندگان را به ایمان مکلف کرده و بر ایمان ثواب می‌دهد و خداوند فاعل آنچه بدان تکلیف کرده، نیست. منظور از فعل هدایت و ضلالت در مورد خداوند این است که خداوند مؤمنین را بر ایمانشان ثواب می‌دهد و کافران را به عصیانشان عقوبت می‌کند. (حلی، ۱۴۱۳: ۳۱۸) او هدایت بیرونی را از طریق ارسال رسل و انزال کتب و بیان تکلیف و شریعت انجام می‌دهد و در درون نیز، عقل و وجدان را برای هدایت انسان قرار داده، ولی ایمان و کفر، فعل بنده است. (نک: حلی، ۱۴۱۳: ۳۱۱) علامه طباطبایی می‌گوید: «اعمال پاک انسان بین دو هدایت سابق (تکوینی) و لاحق (تشریحی) خدا قرار دارد، و بین این دو هدایت، صدق اعتقاد و صلاح عمل قرار می‌گیرد.» (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱ / ۴۵)

ولی در هر حال، انسان با لطف الهی به نجات می‌رسد و بدون هدایت‌های او نمی‌تواند رستگار شود. بنابراین، انسان نباید به ایمان و اعمال خود بی‌بالد بلکه باید اینها را حاصل لطف الهی بداند.^۱ هیچ‌کس جز با لطف الهی نمی‌تواند تزکیه شود.^۲

۱. ... قل لآمتوا علیّ اسلامکم بل اللّٰه ینّ علیکم ان هدکم للایمان... (حجرات / ۱۷)

۲. نک: نور / ۲۱.

۲-۶. عمل و ایمان

ایمان از ریشه «امن» به معنای امان یا امانت است و امن ضد ترس، به معنای اطمینان نفس و اعتماد، و امانت ضد خیانت است. و ایمان ضد کفر است. ایمان به معنای تصدیق، ضد تکذیب است. علمای لغت و دیگران، اتفاق نظر دارند که معنای ایمان تصدیق است. (نک: ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱ / ۲۲۵ - ۲۲۳؛ راغب اصفهانی، ۱۹۹۸: ۱ / ۲؛ بغدادی، ۲۰۰۳: ۱۹۸) درباره معنای اصطلاحی ایمان دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است. اما نظریه غالب، همان معنای لغوی تصدیق است، که مورد قبول اکثریت متکلمان اسلامی است. اما تصدیق مظاهر مختلف دارد: تصدیق به زبان، تصدیق به قلب و تصدیق به اعضا و اعمال. به عبارت دیگر، معنای اصطلاحی ایمان، ممکن است یکی از این سه جزء و یا ترکیبی از آنها باشد، و اختلاف از همین جا ناشی می‌شود. بنابراین چهار احتمال در معنای ایمان هست: الف) ایمان همان اقرار به زبان است، اگرچه با قلبش به کفر معتقد باشد، و آن قول محمد بن کرام سجستانی است. ب) ایمان تصدیق قلبی است، اگرچه با زبانش کفر را ظاهر کند، و این منسوب به جهنم بن صفوان است. ج) ایمان تصدیق قلبی همراه با تصدیق زبانی است، و عمل از ثمرات آن است؛ بدون این که داخل در معنای آن باشد، این منسوب به مشاهیر متکلمین و فقهاء است. د) ایمان تصدیق قلبی به همراه اقرار زبانی و عمل جوارحی است، و این قول معتزله و اباضیه (از خوارج) و جمعی از پیشینیان است. (نک: سبحانی، ۱۳۸۵: ۱۲؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۵: ۴۴۹ - ۴۳۸) قول اول (ایمان = اقرار زبانی) با توجه به آیه: «بعضی مردم هستند که می‌گویند ما به خدا و ... ایمان آوردیم در حالی که مؤمن نیستند»^۱ و قول دوم (ایمان = تصدیق قلبی) با توجه به این آیه «و آن را انکار کردند با آنکه بدان یقین داشتند»^۲ رد می‌شود. (نک: سبحانی، ۱۳۸۵: ۱۴ - ۱۳) و اما قول سوم و چهارم، مورد اختلاف بین مسلمانان است و آنها را به سه فرقه تقسیم کرده است: ۱. خوارج ۲. معتزله ۳. جمهور فقها و متکلمین از شیعه و سنی. دو فرقه خوارج و معتزله، ایمان را دارای هر سه جزء می‌دانند. فرقه سوم، ایمان را تصدیق قلبی همراه با اقرار زبانی می‌دانند و عمل را کمال ایمان دانسته‌اند. (سبحانی، ۱۳۸۵: ۱۵)

با توجه به آیات و روایات، ایمان موضوع حکم اخروی (نجات) است، بنابراین تعیین حدود ایمان از این جهت مهم است که معلوم می‌کند آیا ملاک عدم خلود در آتش، معرفت خداست یا تصدیق او و یا عمل به طاعات. (جوادی، ۱۳۷۶: ۹۲) و این مسئله به مسائل دیگری مانند زیاد و کم شدن ایمان با اعمال و همچنین فرق میان اسلام و ایمان منتهی می‌شود. (سبحانی، ۱۴۲۰ ق: ۲۸۹) امامیه و اشاعره به

۱. وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ ... وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ. (بقره / ۸)

۲. وَجَدُّوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ. (نمل / ۱۴)

تمایز ایمان و اسلام عقیده دارند و اسلام را وسیع‌تر از ایمان دانسته (اشعری، بی‌تا: ۲۹۳؛ مکدموت، ۱۳۷۱: ۳۱۰، نک: ۱۲۰۷ - ۳۰۷) و نسبت میان آن دو را عموم و خصوص مطلق می‌دانند. هر مؤمنی مسلمان است؛ ولی هر مسلمانی مؤمن نیست. (وحیدی مهرجردی، ۱۳۹۸: ۶۷) از امام صادق علیه السلام درباره فرق ایمان و اسلام سؤال شد، فرمودند: اسلام همان ظاهری است که مردم در عقیده و عمل دارند: شهادت به یگانگی خدا و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و اقامه نماز و دادن زکات و حج خانه خدا و روزه ماه رمضان، و ایمان معرفت این امر است، پس اگر اقرار کرد و شناخت مسلمان و گمراه است. (کلینی، همان: ۴ / ۱۴ و ۱۹)

در اصل ارتباط عمل و ایمان تردیدی وجود ندارد، اما در چگونگی این ارتباط بین متکلمین اختلاف است، از این جهت که آیا ارتباط عمل با ایمان مانند ارتباط یک جزء با دیگر اجزاء در یک کل مرکب است و یا مانند ارتباط امری خارج از شیء با آن؟ با توجه به این، متکلمان مسلمان از دو نوع رابطه مفهومی و عینی سخن گفته‌اند.

۶-۲-۱. رابطه مفهومی

در این رابطه، عمل یا جزئی از اجزای تشکیل‌دهنده ایمان است، که در این صورت با اخلال در آن به خصوص با ارتکاب گناه کبیره، ایمان نیز از بین می‌رود، یا عمل جزء ذات ایمان یا از اجزای اصلی آن نیست و با اخلال در آن، ایمان مختل نمی‌شود. همان‌گونه که بیان شد، خوارج و معتزله، با استناد به برخی روایات در تعریف ایمان از جمله: «ایمان معرفت قلبی و اقرار زبانی و عمل جوارحی است»، استفاده می‌کنند (کلینی، ۱۴۲۸: ۱ / ۱۶، ۱۸، ۲۱ و ۲۷ - ۲۵) و با توجه به برخی آیات، (نساء / ۱۴؛ بینه / ۱۵) عمل را مهم‌ترین جزء ایمان می‌دانند، تا آنجا که اعتقاد دارند مرتکب کبیره اگر توبه نکند، از ایمان خارج و کافر شده است و در آتش دوزخ مخلد می‌ماند. (نک: سیدمرتضی، بی‌تا: ۵۳۸ - ۵۳۷؛ بغدادی، ۲۰۰۳: ۱۹۹؛ مکدموت، ۱۳۷۱: ۳۰۸؛ اشعری، بی‌تا: ۱۰۹ - ۱۲۰) با این تفاوت که خوارج مرتکب کبیره را کافر می‌دانند، اما از نظر معتزله مرتکب کبیره جایگاهی بین ایمان و کفر دارد که آن را فسق می‌نامند. ولی فاسق نیز اگر توبه نکند، در آتش مخلد می‌ماند. (مکدموت، ۱۳۷۱: ۳۰۷؛ جرجانی، بی‌تا: ۳۲۶ / ۸؛ بغدادی، ۲۰۰۳: ۱۹۹؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۵: ۴۴۲) در مقابل، غالب شیعه امامیه و بعضی از اشاعره و اکثریت مرجئه، ایمان را تصدیق قلبی و اقرار زبانی می‌دانند و به عدم جزئیت عمل در ایمان معتقدند. (نک: اشعری، بی‌تا: ۱۴۱ - ۱۳۲؛ شهرستانی، ۱۴۱۵: ۱ / ۱۶۲؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۲۹۳؛ وحیدی مهرجردی، ۱۳۹۸: ۷۷ - ۷۰، ۸۲)

متکلمین شیعه در امر ایمان دو گروه می‌شوند: گروه اول که در اکثریت هستند (نص‌گرایان مانند شیخ صدوق) معتقدند ایمان همان اقرار (تصدیق) به خدا و رسولش و به امام و تمام آنچه از جانب آنهاست، می‌باشد. پس معرفت آنها واجب است. پس هر کس تصدیق کرد و شناخت، مسلمان مؤمن است.

و اگر تصدیق کرد و نشناخت، مسلمان است و مؤمن نیست. (اشعری، بی تا: ۵۳ - ۵۲) در مقابل، عقل‌گرایانی چون شیخ مفید که ایمان را از سنخ معرفت و عمل را خارج از حوزه مفهومی آن می‌پندارند، علی‌رغم اضطراب و تشتت رأی بسیار، در نهایت به ایمان مرتکب‌گیره حکم داده‌اند. (نک: اشعری، همان؛ حلی، ۱۴۱۳: ۴۲۶؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۲۰۳؛ سبحانی، ۱۳۸۵: ۱۱) مذهب امامیه این است که مرتکبین‌گیره از اهل معرفت و اقرار با ایمان به خدا و رسول و آنچه رسول از جانب خدا آورده، با داشتن گناهان‌گیره، نه مؤمن (سخن مرجئه) و نه فاسق (سخن معتزله) و نه مؤمن فاسق (قول اشاعره) خوانده شده، بلکه مسلمان نامیده می‌شوند، جز بنی‌نوبخت، که بر فاسق، نام ایمان اطلاق می‌کنند (مفید، ۱۳۵۴: ۸۴ و ۴۸) و آنها تا ابد مخلد در آتش نیستند. (مکدرموت، ۱۳۷۱: ۳۲۱)

پس، غالب امامیه عمل را جزء ماهیت ایمان نمی‌دانند. (نک: اشعری، بی تا: ۱۴۱ - ۱۳۲) و دلیل بر آن را: الف) آیاتی می‌دانند که در آن عمل صالح بر ایمان عطف شده؛ زیرا عطف بر مغایرت دلالت دارد.^۱ ب) آیاتی که ایمان را شرط صحت و قبولی اعمال معرفی می‌کند، مانند: «و هر کس کارهای شایسته کند و مؤمن هم باشد، نه از ستمی می‌هراسد و نه از کاسته شدن حقش»^۲ از آنجا که مشروط داخل در شرط نیست، از این آیات مغایرت فهمیده می‌شود. ج) آیاتی که حتی به کسانی که مرتکب گناهانی مثل قتل و بغی و ظلم شده‌اند، نسبت ایمان می‌دهند.^۳ (نک: جرجانی، بی تا: ۳۲۵ - ۳۲۴؛ مفتاح، ۱۳۸۸: ۱۰۴ - ۱۰۲؛ سبحانی، ۱۳۸۵: ۱۹ - ۱۷) د) آیاتی که مؤمنان را مخاطب قرار داده و اعمالی را بر آنها واجب می‌کند.^۴ پس اگر عمل عنصر مقوم ایمان باشد، معنای امر به تقوا یا اعمال دیگر بعد از فرض ایمان بیشتر شبیه به طلب امر موجود است. (سبحانی، ۱۳۸۵: ۲۲ - ۲۱، مفتاح، همان) ر) آیاتی که محل ایمان را قلب معرفی می‌کند^۵ و آیاتی که از ختم بر قلوب و طبع آن سخن می‌گویند.^۶ (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۲ / ۳۰۹)

۲-۲-۶. رابطه تلازمی

امامیه به رابطه دیگری بین ایمان و عمل اعتقاد دارد. در واقع معتقد است نوعی تأثیر و تأثر متقابل بین ایمان و عمل وجود دارد که بدان رابطه عینی یا تلازمی گفته می‌شود. این رابطه ممکن است از نوع اشتراط یا کاشفیت باشد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «با ایمان به اعمال صالح راه توان برد و به اعمال

۱. نک: کهف / ۱۳۷.

۲. نک: طه / ۱۱۲.

۳. نک: حجرات / ۱۰ - ۹.

۴. نک: توبه / ۱۱۹.

۵. نک: مجادله / ۲۲.

۶. نک: نحل / ۱۰۸ - ۱۰۶.

صالح، ایمان را توان شناخت».^۱ (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۵) این روایت که چند معنی در آن محتمل است. (نک: مجلسی، ۱۳۸۸: ۶۸ و ۳۶۴) به هر معنایی که باشد، اصل وجود رابطه تلازمی در آن مسلم است. حاصل روایت این است که ادعای ایمان مستلزم انجام عمل صالح است؛ چون هر مدعی، آنچه را ادعا می‌کند از او مطالبه و بر آن مؤاخذه می‌شود. پس، از انسان مؤمن اعمال صالح مطالبه می‌شود. از طرفی، ایمان، راهنمای اعمال صالح است و از سوی دیگر اعمال صالح دلیل و نشانه ایمان است. از این‌رو، در بسیاری از آیات قرآن، این دو در کنار هم به کار رفته‌اند. (مفتاح، ۱۳۸۸: ۱۱۲ - ۱۱۱؛ کاشانی، ۱۳۹۳: ۶۶) امام علی علیه السلام عمل را نشانه یقین مؤمن و انکار کافر دانسته است.^۲ (کلینی، ۱۴۲۸: ۲ / ۲۲ و ۳۲؛ مجلسی، ۱۴۱۲: ۷ / ۲۸۲) علامه مجلسی در ادامه این روایت می‌گوید: «تصدیق جز به اقرار آشکار نمی‌شود و اقرار جز به عمل جوارح کامل نمی‌گردد. در حقیقت اعمال، گواهان ایمانند.» (مجلسی، ۱۴۱۲: ۷ / ۲۸۳) در حدیثی از پیامبر نقل شده: «...ایمان آن است که خالصانه در قلب باشد و اعمال نیز آن را تصدیق کنند»^۳ (مجلسی، ۱۳۸۸: ۲۶، ۷۲ و ۶۹) در این روایت و روایات مشابه آن تلازم بین ایمان و عمل از نوع کاشفیت است. همچنین از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده: «ایمان و عمل برادر و شریک نزدیکند که خداوند هیچ‌یک را بدون دیگری نمی‌پذیرد.»^۴ (المتقی الهمدی، ۱۳۱۳: ۱ / ۳۶ و ۶۸) در اینجا، رابطه تلازمی، از نوع اشتراط است. یعنی شرط پذیرش هر یک از آنها وابسته به وجود دیگری است. بنابراین، صدق ایمان باید آشکار شود، به همین دلیل مؤمنان آزمون‌های سختی در پیش دارند. (نک: ملک / ۲، عنکبوت / ۳ - ۲، احزاب / ۱۹ - ۱۸) لذا اگر کسی ادعای ایمان کرد و مانعی هم برای عمل نداشت، ولی عمل صالح از او سرزند، در واقع ایمان ندارد؛ زیرا لازمه وجود ایمان در قلب انسان، بروز آن در رفتار و گفتار اوست. (نک: سیدمرتضی، بی تا: ۲ / ۳۱۷؛ همان: ۱ / ۳۰۲) ابن‌نویخت و کمال‌الدین میثم و فاضل مقداد، سخن زبان و اعمال صالح را ثمرات مؤکد ایمان بیان می‌کنند. (فاضل مقداد، ۱۴۰۵: ۴۴۲؛ مصباح، ۱۳۸۴: ۴۵۶) اما این که ایمان می‌تواند بدون عمل باشد، ولی عمل بدون ایمان حبط می‌شود، به این دلیل است که عمل برای ایمان در ابتدا به صورت بالقوه است و در سیر تکاملی ایمان بالفعل می‌شود و می‌توان از آرامش ناشی از آن بهره برد، (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۶ / ۳۹۶) مانند وجود بالقوه ثمره در دانه، که تنها به واسطه زراعت و تربیت به فعلیت می‌رسد و می‌توان از آن سود جست. همچنین، ایمان مانند نور چراغ و عمل

۱. بالایمان يستدل علي الصالحات و بالصالحات يستدل علي الايمان.

۲. ان المؤمن يري يقينه في عمله والكافر يري انكاره في عمله...

۳. ...لكن الايمان ماخلص في القلب وصدقه الاعمال.

۴. الايمان والعمل اخوان شريكان في قرن، لا يقبل الله احدهما الا بصاحبه.

مانند روغن آن است و عمل از غایت صفا، خود فی نفسه نوری دارد که اگر نور ایمان نیز همراهش نباشد می‌خواهد که به تنهایی برافروزد. (کاشانی، ۱۳۹۳: ۲۸۵؛ نور / ۳۵) بنابراین رابطه ایمان و عمل دوسویه است، و تلازم آن دو خارجی است، نه ذاتی. (طباطبایی، همان: ۴۳۴)

از نظر امامیه، ایمان دارای مراتب است و هر مرتبه ثمره‌ای دارد (مجلسی، ۱۳۷۹: ۱۵، ۶۹ و ۲۱۱) اولین مرتبه ایمان، اعتقاد به اصول حقه و عقاید صحیح است که در دنیا بر ایمان مترتب می‌شود و موجب امان از کشته شدن و ... است، این مرتبه همان است که به آن اسلام گفته می‌شود. بر این اطلاق مرتکب کبیره، مؤمن (مسلمان) است، اگرچه قتل یا دزدی کند. اما در آخرت، صحت اعمال و استحقاق ثواب بر اعمال و عدم خلود در آتش، و استحقاق عفو و شفاعت، بر ایمان مترتب می‌شود و آن مقابل کفر است. (سبحانی، ۱۳۸۵: ۲۳) حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه با یادآوری سنت عملی پیامبر صلی الله علیه و آله می‌کوشد اعتقاد افراطی خوارج را درباره کفر مرتکب کبیره اصلاح کند. از این رو می‌گوید: «شما می‌دانید که رسول خدا صلی الله علیه و آله ... قاتل را کشت و میراثش را به بستگانش داد. دست دزد را برید ... ولی، سهمی را که از غنایم نصیبشان می‌شد، به آنان پرداخت و رخصت داد که با زنان مسلمان ازدواج کنند. پیامبر آنان را به سبب گناهشان مؤاخذه کرد و حدّ خدا را بر آنان جاری ساخت ولی از سهمی که اسلام برایشان معین کرده بود، منعشان نمود و نامشان را از میان مسلمانان زدود. (نک: نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷) بنابراین ایمان در مراتب پایین با اسلام برابر است. و منظور از اکتفا به تصدیق به شرط اقرار، همان ایمانی است که خون و مال و آبروی فرد در امان می‌ماند (اسلام)، نه ایمانی که نجات بخش در آخرت است؛ چون این ایمان همان طور که در روایات بیان شده، متوقف بر عمل است. (سبحانی، ۱۳۸۵: ۲۳) و روایت امام صادق علیه السلام بر آن دلالت دارد که: «اسلام است که خون با آن ریخته نمی‌شود و امانت با آن باز می‌گردد و ازدواج با آن حلال می‌شود و ثواب بر ایمان است»^۱ (کلینی، ۱۴۲۸: ۲ / ۲۴) و مراتب ایمان با اعمال، قوت و ضعف می‌پذیرد. (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۸ / ۲۶۰) اعمال صالحی که از مؤمن صادر می‌شود، به نوبه خود بر قوت و ثبات ایمان و هدایت نیکوکاران می‌افزاید و زمینه کارهای نیک دیگر را فراهم می‌سازد. (نک: آل عمران / ۱۷۳؛ انفال / ۲) اعمال صالح می‌تواند ریشه کفر را ضعیف و زمینه ایمان را فراهم سازد. (مصباح، ۱۳۸۴: ۴۵۴) همان گونه که قوم یونس با توبه و عمل صالح جایگاهشان را تغییر دادند. (مفید، ۱۳۵۴: ۴۹؛ نک: یونس / ۹۸) آیه «کلام پاکیزه به سوی خدا بالا می‌رود و عمل صالح آن را بالا می‌برد»^۲، به خوبی نقش عمل را در ایمان بیان می‌کند. کلام پاکیزه، اعتقاد حق (ایمان) است که منشأ عمل صالح است و عمل صالح باعث

۱. الاسلام یحقن به الدم و تؤدی به الامانه و تستحل به الفرج، والثواب علی الایمان.

۲. الیه یصعد الکلم الطیب و العمل الصالح یرفعه.

می‌شود که اعتقادات حق به قرب الهی برسد و با تکرار عمل، اعتقاد راسخ‌تر می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۷ / ۲۳) از سوی دیگر، انجام کارهای ناشایست موجب ضعف ایمان می‌شود و زمینه را برای تکرار گناه آماده می‌کند و ادامه این روند منجر به ارتکاب گناهان بزرگ‌تر و تکرار آنها می‌شود و سرانجام به زوال اصل ایمان و تبدیل آن به کفر و نفاق می‌شود (نک: مجلسی، ۱۳۷۹: ۱۵ / ۶۹ / ۲۱۱؛ نک: توبه / ۷۷) کفر نیز مراتبی دارد. افزایش گناهان موجب افزایش کفر و قساوت گناهکاران و عذاب و هلاکت آنان می‌شود (مصباح، ۱۳۸۴: ۴۵۳، ۴۵۵؛ مفید، ۱۳۵۴: ۶۷ / ۳؛ نک: بقره / ۱۰؛ آل عمران / ۸۰) و منافقان و ریاکاران، مؤمن شمرده نمی‌شوند. (نک: بقره / ۲۴۶)

از دیدگاه شیعه، اعمال در روز داوری با مقیاس ایمان سنجیده می‌شوند. (نک: مکدموت، ۱۳۷۱: ۳۴۰؛ سیدمرتضی، بی تا: ۱ / ۳۰۲) بدون ایمان به خدا و معاد، نمی‌توان برای خدا یا به امید پاداش یا ترس از عذاب او کاری کرد. (مصباح، ۱۳۹۰: ۶۵) آیاتی که اعمال کفار را به سراب، (نور / ۳۹) خاکستر (ابراهیم / ۱۸) وهبء منشور (فرقان / ۲۳) تشبیه می‌کنند و آیاتی که ملاک پذیرش عمل را ایمان دانسته‌اند، (نحل / ۹۷) بیانگر نقش ایمان در ارزشمندی عمل هستند.

۳-۶. عمل و معرفت

منظور از معرفت، به‌طور عام، در قرآن و در این پژوهش، علم و آگاهی است. عمل بدون معرفت و علم، نادرست بوده (کاشانی، ۱۳۹۳: ۶۵) و به قبح نزدیک است و عملی نیکوست که با علم و یقین باشد. (سیدمرتضی، بی تا: ۱ / ۲۶۱ و ۶۲) در شیعه، معرفت رابطه مفهومی با ایمان دارد و جزء ماهیت آن است. بنابراین، کسب معرفت خدا، اولین تکلیف است. (مکدموت، ۱۳۷۱: ۱۰۰) اگر مکلف در کسب معرفت واجب کوتاهی کند، گناهکار است و اگر وجوب عبادات را بر خود بداند و امکان انجام آنها برایش فراهم باشد ولی انجام ندهد، مورد عقاب است. (سیدمرتضی، بی تا: ۳۱۷ / ۲) البته عمل جزء مفهوم ایمان نبوده، بلکه لازمه ایمان و نتیجه صحت آن است. (کاشانی، ۱۳۹۳: ۶۵) ایمان معرفتی همراه با تسلیم است و با عمل ارتباطی نزدیک دارد. (نک: جوادی، ۱۳۷۶: ۱۹۶ - ۱۹۲؛ مصباح، ۱۳۸۴: ۴۵۳) عمل صالح، ذهن و قلب انسان را برای کسب و پذیرش معارف بالاتر آماده می‌سازد. (فیض کاشانی، بی تا: ۲۷۹) پس، عمل نیک با معرفت و ایمان شکل می‌گیرد و مراتب معرفت و ایمان را رقم می‌زند.

۴-۶. عمل و محبت

محبت از فروع ایمان است که به عمل و طاعت می‌انجامد و در غیر این صورت حقیقی و نجات‌بخش نیست. (مظاهری، پسندیده و صادقی، ۱۳۹۰: ۱۲۹؛ سبحانی، ۱۴۲۰: ۱ / ۴۷) عمل انسان (مانند ایمان) از

علم و گرایش منشأ می‌گیرد و بین این دو، نوعی ترتب وجود دارد؛ چون انسان تا شناسد نمی‌تواند شوق و محبت پیدا کند. (مصباح، ۱۳۹۰: ۹۲) پس ایمان، بدون محبت، مبدأ عمل نمی‌شود. (مظاهری، پسندیده، صادقی، ۱۳۹۰: ۱۲۶) ارزش اعمال، به اراده و نیت قرب به خدا بستگی دارد و اراده از شوق و محبت به نتیجه کار برمی‌خیزد. (مصباح، ۱۳۸۴: ۴۶۲) عمل طاعت و معصیت انسان، افزون بر این که نشانه محبت و دشمنی او با خداست، (نک: آل عمران / ۳۱) موجب محبت (ولایت) یا دشمنی (عداوت) خدا با انسان نیز هست و این به اختیار انسان بستگی دارد، نه به اراده سابق الهی. (مکدرموت، ۱۳۷۱: ۳۱۶)

نتیجه

در شیعه و پروتستان، ایمان عامل اصلی نجات است و عمل نیک بدون ایمان نقشی در نجات ندارد. ولی ایمانی نجات‌بخش است که فعال و زنده باشد؛ یعنی با محبت و اعمال نیک همراه باشد. در پروتستان ایمان روح‌القدس را می‌آورد و روح‌القدس تولد تازه می‌بخشد و عشق و انجام شریعت را الهام می‌کند. بنابراین اساس پاک و عادل شمرده شدن و نجات ایمان است، اگرچه این ایمان «ایمانی است که از طریق عشق عمل می‌کند».

در شیعه ایمان معرفت می‌آورد و معرفت مقتضی محبت و عمل نیک است. در هر دو مذهب، عمل نیک به‌عنوان ملازم و همراه ایمان نقش تعیین‌کننده‌ای در تثبیت ایمان دارد و گناه تکراری و عمدی می‌تواند باعث زوال ایمان شود. در شیعه، ایمان اگرچه موهبت الهی است، عملی اختیاری و دارای مراتب است و عمل نیک در تعیین مراتب ایمان و زندگی ازلی نقش برجسته‌ای دارد و بدون آن انسان به کمال نمی‌رسد. در مذهب پروتستان، ایمان و عمل نیک حاصل فیض الهی است و ایمان دارای ثمرات و نتایج است. بنابراین، نقش عمل نیک، به‌عنوان ثمره و گواه ایمان یا کمال آن، در تثبیت ایمان برجسته است و ایمان بی‌عمل همچون ادعایی بی‌شاهد است و در آخرت، نجات‌بخش نیست و عمل بی‌ایمان مانند درخت بی‌ریشه است که باقی نمی‌ماند.

در هر دو مکتب، اعمال نیک برای ایمان، ضروری هستند ولی برای نجات، قابل اطمینان نیستند. انسان برای نجات، همواره باید به لطف الهی تکیه کند؛ چون اعمال انسان آفاتی دارد که موجب عدم اعتماد می‌شود: یکی آنکه اعمال انسان غالباً در حسن فعلی (صلاحیت) و حسن فاعلی (نیت الهی و خالص از شرک و ریا و عجب) نقص دارد. در صورتی که خداوند تنها اعمال اهل تقوا را می‌پذیرد. تقوا که در هر دو مذهب، از لوازم ضروری ایمان است، مستلزم کار نیک (مطابق با قانون خدا) و نیکوکاری (اخلاق) است. دیگر آنکه، اعتماد بر عمل، برای انسانی که در قدرت و اختیارش برای عمل، متکی به

خداوند است، ذاتاً قبیح به نظر می‌رسد، افزون بر این که این اعتماد، اگر موجب کبر و غرور در انسان شود و باعث شود انسان خودش را برتر از دیگران و طلبکار از خداوند بداند، می‌تواند بزرگترین آفت برای اعمال انسان باشد و همه اعمال او را باطل سازد. از این رو، سزاوار است که مؤمنان ایمان و عمل نیک خود را به لطف خدا نسبت دهند. در شیعه نقش عمل در نجات پررنگ‌تر است چون عمل نیک می‌تواند زمینه ایمان و نجات را فراهم آورد و بر مراتب ایمان و حیات ابدی بیفزاید، ولی در پروتستان هر عملی بدون ایمان، گناه است. عمل نیک انسان نیک نمی‌سازد، بلکه فقط گواه ایمان مؤمن است.

منابع و مآخذ

۱. ابن فارس، ابوحسین احمد بن زکریا، ۱۴۰۴ ق، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق و ضبط عبدالسلام محمد هارون، بیروت، دارالجلیل.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، *لسان العرب*، بیروت، دارالصادر.
۳. اشعری، ابوالحسن، بی تا، *مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین*، کتابخانه مدرسه فقهت، کتابخانه مجازی الفبا.
۴. ایزوتسو، توشیهیکو، ۱۳۸۰، *مفهوم ایمان در کلام اسلامی*، ترجمه زهرا پورسینا، تهران، سروش.
۵. بغدادی، عبدالقادر بن طاهر، ۲۰۰۳، *اصول الایمان*، بیروت، دارمکتبه الهلال.
۶. براون، رابرت مک آفی، ۱۳۸۲، *روح آیین پروتستان*، ترجمه فریبرز مجیدی، بی جا، نشر نگاه معاصر. چ اول.
۷. جرجانی، علی بن محمد، بی تا، *شرح المواقف*، تصحیح محمدنعسانی، حاشیه عبدالحکیم سیالکوتی، حسن چلبی، قم، الشریف الرضی.
۸. جوادی، محسن، ۱۳۷۶، *نظریه ایمان در عرصه قرآن و کلام*، بی جا، نشر معارف، چ اول.
۹. حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۳، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، تصحیح حسن حسن زاده آملی، جماعة مدرسین فی الحوزة العلمية، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۱۰. دانستن، جی. لسلی، ۱۳۸۱، *آیین پروتستان*، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی، قم، مؤسسه آموزشی امام خمینی.
۱۱. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، ۱۹۹۸، *المفردات فی غریب القرآن*، جزء اول، تحقیق و اعداد: مرکز الدراسات و البحوث بمکتبه نزار مصطفی الباز، دمشق، بیروت، دار القلم.

۱۲. رنارد، جان، ۱۳۹۴، *اسلام و مسیحیت: بررسی تطبیقی اندیشه های کلامی*، ترجمه و تحقیق احمدنمایی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
۱۳. سبحانی، جعفر، ۱۳۸۵، *الایمان و الکفر فی الكتاب و السنه*، قم، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام.
۱۴. سبحانی، جعفر، ۱۴۲۰، *الرسائل و المقالات*، قم، مؤسسه الامام الصادق.
۱۵. سیدمرتضی، علی بن الحسین، ۱۴۱۱ ق، *الذخیره فی علم الکلام*، محقق: سیداحمدحسینی، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۱۶. سیدمرتضی، علی بن الحسین، بی تا، *رسائل الشریف المرتضی*، اعداد: مهدی رجایی، زیر نظر: احمدحسینی اشکوری، قم، دارالقرآن الکریم.
۱۷. شهرستانی، عبدالکریم، ۱۴۱۵، *الملل و النحل*، تحقیق عبدالامیر مهنا، علی حسن فاعور، بیروت - لبنان، دارالمعرفه.
۱۸. طباطبایی محمدحسین، ۱۳۹۳، ۱۹۷۳ م، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت - لبنان، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چ سوم.
۱۹. طوسی، خواجه نصیرالدین، ۱۴۰۷ ق، *تجربید الاعتقاد*، تحقیق محمدجوادحسینی جلالی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۰. عسکری، ابوهلال، ۱۴۱۲ ق، *الفروق اللغویه*، تنظیم: شیخ بیت الله بیات و مؤسسه النشر الاسلامی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
۲۱. فاضل، مقدادبن عبدالله، علامه حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۰۵ ق، *ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدین*، محقق: مهدی رجایی، اهتمام: محمود مرعشی، قم، کتابخانه عمومی آیه الله مرعشی نجفی.
۲۲. فلاطوری، عبدالجواد، بی تا، *فقدان مؤلفه تاریخ رستگاری در الهیات (کلام) اسلامی*، ترجمه: محمدباقر تلغری زاده، بی جا، بی نا.
۲۳. فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی، بی تا، *المحجة البیضاء فی تهذیب الاحیاء*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۲۴. کاشانی، عزالدین محمودبن علی، ۱۳۹۳، *مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه*، تصحیح و تعلیقات جلال الدین همایی، تهران، نشرهما، چ اول.

۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۲۸، *اصول الکافی*، بیروت، منشورات الفجر، چ اول.
۲۶. کونگ، هانس، ۱۳۸۶، *متفکران بزرگ مسیحی*، جمعی از مترجمان، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۲۷. کونگ، هانس، ۱۳۸۴، *تاریخ کلیسای کاتولیک*، ترجمه حسن قنبری، قم، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب.
۲۸. کیدی، آلن، ۱۹۸۸، *از سرگردانی تا رستگاری*، تهران، انتشارات نورجهان.
۲۹. لین، تونی، ۱۳۸۰، *تاریخ تفکر مسیحی*، ترجمه روبرت آسریان، تهران، نشر و پژوهش فرزاد روز.
۳۰. المتقی الهندی، علی بن حسام الدین، ۱۳۱۳ ق، *کنز العمال*، حیدرآباد - دکن، دایرةالمعارف النظامیه.
۳۱. مجلسی، محمدباقر، ۱۳۸۸، *بحار الانوار*، قم، انتشارات نور وحی.
۳۲. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۱۲، *مرآة العقول*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۳. محمدیان، بهرام و دیگران، ۱۳۸۰، *دایرةالمعارف کتاب مقدس*، تهران، روزنو.
۳۴. مسترهاکس، جیمز، ۱۳۸۳، *قاموس کتاب مقدس*، تهران، انتشارات اساطیر، چ دوم.
۳۵. مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۴، *آموزش عقاید*، قم، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چ هفدهم.
۳۶. مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۰، *انسان سازی در قرآن*، تنظیم و پژوهش محمودفتحعلی، قم، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چ سوم.
۳۷. مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۴، *به سوی خودسازی*، نگارش: کریم سبحانی، قم، مؤسسه آموزش و پژوهش امام خمینی، چ چهارم.
۳۸. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
۳۹. مظاهری، محمدعلی؛ پسندیده، عباس؛ صادقی، منصوره، ۱۳۹۰، *مثلث ایمان*، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر.
۴۰. مفتاح، احمدرضا، ۱۳۸۸، «رابطه ایمان و عمل در شیعه»، *هفت آسمان*، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ش ۴۱، ص ۹۷ - ص ۱۱۸.

۴۱. مفید، محمد بن محمد، زنجانی، فضل الله، چرندابی، عباسقلی، ۱۳۵۴، *اوایل المقالات*، قم، المؤتمر العالمي لالفیه الشیخ المفید.
۴۲. مکدموت، مارتین، ۱۳۷۱، *نظریات علم الکلام عند الشیخ المفید*، تعریب علی هاشم، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چ اول.
۴۳. مک گراث، آلیستر، ۱۳۸۴، *درسنامه الهیات مسیحی*، ترجمه محمدرضا بیات و دیگران، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۴۴. مک گراث، آلیستر، ۱۳۸۷، *مقدمه ای بر تفکر نهضت اصلاح دینی*، ترجمه بهروز حدادی، قم، انتشارات ادیان و مذاهب.
۴۵. مولند، اینار، ۱۳۸۱، *جهان مسیحیت*، ترجمه محمدباقر انصاری، مسیح مهاجری، تهران، امیرکبیر.
۴۶. ناس، جان بایر، ۱۳۷۲، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه: علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چ پنجم.
۴۷. وحیدی مهرجردی، شهاب الدین، ۱۳۹۶، *مذهب پروتستان پیدایش و اندیشه ها*، تهران، سازمان سمت.
۴۸. وحیدی مهرجردی، شهاب الدین، ۱۳۹۸، *موجئه: پیدایش و اندیشه ها*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
۴۹. ویور، مری جو، ۱۳۹۳، *دو آملدی به مسیحیت*، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
۵۰. هیل، توماس، تورسون، استیفان، ۲۰۰۱ م، *تفسیر کاربرد دی عهد جدید*، ترجمه آرمان رشدی، فریبرز خندانی، بی جا، بی نا، چ اول.

51. *Augsburg Confession*, 1921, Elector: Duke, John, Translated by: E. Bente and W.H.T. Dau, Publishing House.
52. Augustine, 1887, *On Grace and Free will*, Nicene and Post-Nicene Fathers, First Series, Vol: 5, Edited by Philip Schaff.
53. Calvin, John, 2014, *Institutes of Christian Religion*, Translated from Original Latin, last edition in French by John Allen, vol 1.
54. Erickson, Milard J, 1990, *Christian Theology*, Baker Book House Company, United states of America. Seventh printing.
55. Hodge, A.A., 1972, *Outlines of Theology*, Publisher: Banner of Truth.

56. Luther, Martin, 2013, *Commentary on the Epistle to the Galatians*, Translators: T.G. and L.M., Produced by L. J. and D.W.
57. Luther, Martin, Hendrix, Scott, 2014, *The Treatise on Good Works*, Augsburg Fortress.
58. Olson, Rager E., 1999, *The Story of Christian Theology: Twenty Centuries of Tradition and Reform*, Inter Varsity Press.
59. Riggs, Thomas, 2014, *Worldmark Encyclopedia of Religious practices*, vol1, Editor: Thomas Riggs.
60. Saint Augustine, 1992, *Four Anti-Pelagian Writings*, Translated by: J.A.Mourant, Catholic University of America Press.
61. *Triglot Concordia (Ger,La,En)*, 1917, published by Resolution of the Evangelical Lutheran Synod of Missouri, Ohio, and other states.
62. Werke, Erl. Ausg., "Justification", *International Standard Bible*, internationalstandardbible.com/J/justification
63. Wiggers, G.F., D.D., 1860, *An Historical Presentation of Augustinism and Pelagianism*, Translated by: Emerson, R.R., Newyork, Published by Gould.